



اخراج عرفات

رئیس جمهوری جمیل با همه روش‌های ماکیاویستی نرم خود نتوانست با رئیس جمهوری اسد دیدار کند، پیش از آنکه سهم خود را در لغو توافق ۱۷ مه ایفا کند. از این‌رو مجبور شد گامی تا میانه راه برداشته و اعلام کند اساساً این توافق را امضا نکرده است. اظهارات جمیل، بدان معنا بود که توافق ۱۷ مه با موافقتی در لبنان نیز رویارو و ناپودی آن در آستانه وقوع است. پس از آنکه واقعیت‌های صحنه لبنان آشکار شد، سوریه کوشید پیامی برای حکومت آمریکا و به شکل مشخص جورج شولتز ارسال کند که نقش سوریه در لبنان حذف ناشدنی است و این نقش جزئی از امپراطوری شرخیالبنی نیست که آنها می‌پندارند، چرا که دشمنی با آمریکا نزد سوری‌ها؛ موضوعی عقیدتی نیست بلکه تنها روشی سیاسی و عملیاتی در خدمت منافع و اهداف سوریه و جهان عرب است. روند اختلافات درونی جنبش فتح در سال ۱۹۸۳ و در پیامد عملکرد نظامی و سیاسی رهبری فلسطین و فتح در جریان تهاجم اسرائیل به لبنان بالا گرفت و وضعیت داخلی پر اختلاف جنبش در مه ۱۹۸۳ به اوج خود رسید، آن هنگام که مشخص شد این‌موضوع دیگر تنها در سطح درگیری‌های متأثر از فشار سوریه باقی نمانده و به اعلام انشعاب برخی اعضای کمیته مرکزی فتح رسیده که از سوی اکثریت فرماندهان میدانی این جنبش حمایت می‌شوند. حمایتی که انشعاب درونی جنبش فتح، تأثیر واقعی خود را در لبنان از آن می‌گرفت. کمیته مرکزی جنبش فتح به رهبری عرفات جاشدگان را از تشکیلات اخراج و آنها را به فعالیت در جهت انتقال تصمیم‌گیری فلسطینی به طرفی غیر فلسطینی متهم کرد که اشاره‌ای به سوریه بود. عرفات به این ترتیب، تنها جزئی از داستان را می‌گفت، اما بخش مهم‌تر داستان را به فراموشی می‌سپرد که محرکه‌های فلسطینی انشعاب بود. رئیس جمهوری اسد خشمگین از حواله کردن مسئولیت انشعاب جنبش فتح به حکومت سوریه، با بی‌علاقگی؛ توصیه خدام و حکمت شهبایی برای اخراج عرفات را از سوریه به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۸۳، پذیرفت. عرفات به شکل توهین آمیزی از سوریه اخراج و با همراهی یک افسر به هوایمایی برده شد که در انتظار او بود تا به تونس منتقلش کند.

من این اقدام را با ناخشنودی دنبال می‌کردم، چون آن را در خدمت منافع ملی سوریه و موضعش درباره فلسطین نمی‌دیدم. خدام و شهبایی مدعی بودند، عرفات کنفرانسی مطبوعاتی برگزار و تا ندی به رئیس جمهوری اسد حمله کرده و جایگاه و نقش او را در بحران لبنان زیر سؤال برده است. با روش‌های خاص خود کوشیدم به متن اظهارات عرفات دست یابم، اما چیزی نیافتم. از خبرنگاران نیز پرسیدم و آنها نیز از چنین اظهاراتی ابرازبی اطلاعی کردند. در انتظار روزنامه‌های لبنانی و خلیج فارسی [ام] و اترافی و پیش از همه خبرگزاری فلسطینی وفا ماند، اما باز هم هیچ ردی از اظهارات عرفات پیدا نکردم به استثنای چند جمله روتینی که هر روز با مناسبت و بی‌مناسبت از سوی عرفات اعلام می‌شد. از آن زمان و با اصرار من، سوریه موضع خود را درباره فلسطین متحول و بر اساس جداکردن عرفات به‌عنوان یک شخص؛ از التزام سوریه به پشتیبانی از مقاومت فلسطین قرار داد که موضوعی اصولی و غیر مرتبط با رفتار اشخاص بود تصمیم اخراج عرفات رویدادی پر سر و صدا و از نظر من غیر قابل توجیه بود و در تمامی دوران سیاسی پس از آن، کوشیدم اثرات منفی این اقدام را با وجود انتقادات رهبری سوریه از دیدارهایم با عرفات در تونس، کاهش دهم. البته شخص رئیس جمهوری اسد، فهم مرا از این موضوع قبول داشت که روابط نسبتاً مثبت من با عرفات فرصت مناسبی فراهم می‌کند تا برای بازگشت روابط سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه به یک وضعیت معقول، کوشش کنیم و نگذاریم روابط غیر عادی سوریه را بیشتر یا کمتر از نصف مردم فلسطین، ادامه یابد. از چگونگی موافقت رئیس جمهوری اسد، با تصمیم به اخراج عرفات، اطلاع ندارم اما اطمینان دارم که ارزیابی رهبری سوریه در آن روز از تحركات سیاسی عرفات، این بود که در چارچوب «طرح ریگان» عمل می‌کند. گزارش‌های خدام در این زمینه، بسیار با شخصی‌سازی موضوعات و زیاده‌گویی همراه بود و تحركات عادی و تاکتیکی عرفات را به معنای درهم تنیدگی او با طرح آمریکا تفسیر می‌کرد. در حالی که این تفسیر از زاویه دید سیاسی، دقیق و واقع‌گرایانه نبود. درک من از شخصیت عرفات این بود که او در اجرای تاکتیک‌های سیاسی، زیاده روی و تاکتیک را در بسیاری اوقات، جایگزین استراتژی می‌کرد. این در حالی بود که از نگاه من تحركات تاکتیکی می‌بایست با حفظ استراتژی و در خدمت آن به کار گرفته شود تا جهت حرکت درست، هیچ گاه گم نشود. در این شرایط روند انشعاب و تقسیم در صحنه فلسطین به شدت‌ترین وضعیت خود رسید و خطرناک‌ترین مورد آن از دید موازنه قدرت و جهت‌گیری‌ها، در یادگان «نیروهای یروموک» در دره بقاع میان مخالفان و حامیان عرفات در درون جنبش فتح روی داد. عرفات به همراه برخی رفقای خود در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ به‌صورت مخفیانه به اردوگاه‌های طرابلس شام بازگشت. هدف عرفات از این بازگشت، مهار وضعیت پیش آمده و توقف روند انشعاب در درون جنبش فتح بود؛ اما ابعاد دیگری را نیز به همراه آورد که برای سوریه خطرناک بود و به روند تشنج مسلحانه علیه سوریه در لبنان، از طریق تشویق مجموعه‌های «توحید اسلامی» به رهبری شیخ سعید شعبان برای درگیری با نیروها و سازمان‌های هم پیوند با سوریه، سرعت می‌داد. رئیس جمهوری اسد در پرتو این ارزیابی‌ها و بررسی ارتباطات میان عرفات و رفعت اسد و نتایج آن، به اجبار به مداخله مستقیم علیه عرفات و پشتیبانی از مخالفان فلسطینی او روی آورد. عرفات و مردانش در نتیجه اعمال این سیاست از سوی سوریه و پس از میانجیگری عربی و بین‌المللی، مجبور به عقب‌نشینی از طرابلس با کشتی «اودیسیوس الیتوس» شدند، تا فصلی دیگر از داستان رابطه تلخ میان سوریه و عرفات آغاز شود.

عرفات نخست در اواخر سال ۱۹۸۳ به یونان رفت، سپس قرارداد فوریه ۱۹۸۵ را با ملک حسین بست که برای آنها که به موضوع فلسطین اهمیت می‌دادند به نوعی طرح پادشاهی عربی متحد را به یاد آورد که ملک حسین یک دهه قبل برای اتحاد کرانه غربی و شرقی رود اردن اعلام کرده بود تا آن گونه که همان زمان شایع شد، عرفات نخست‌وزیر آن باشد.

کارتز هوشمند و فورد ساده لوح

جیمی کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا، روابط دوستانه خود را با رئیس جمهوری اسد از هنگام ملاقات مشهورشان در مه ۱۹۷۷ و با وجود دشمنی راهبردی اسد با راه منفرد و تحت اشراف کارتر کمپ دیوید، حفظ کرده بود. هر چه بود رئیس جمهوری حافظ اسد روابط خوب خود را با رئیس جمهوری کارتر حفظ کرده بود که در آن زمان در حال تأسیس مرکز صلح خود بود.



اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود فیروز بی و پوخت عباسی

ادامه پاورقی خاطرات بولتون را در سایت ایران آنلاین (ion.ir) بخوانید.

دور نمی

الاهرام (مصر)

عبدالفتاح سیسی که خود را میانجی اسرائیل و فلسطینیان معرفی می‌کند، از گروه‌ها و احزاب فلسطینی دعوت کرد تا هفته آینده در نشست در قاهره شرکت کنند و با حل اختلافات یکدیگرنقشه راهی برای آینده فلسطین ترسیم کنند. سیسی همچنین قصد دارد از این نشست به‌عنوان محلی برای حمایت از محمود عباس استفاده کند.



هشت صبح (افغانستان)

به دنبال حمله ماه پیش به مدرسه سید الشهدا در غرب کابل، اشرف غنی خواهان طرح جامع و امنیتی برای پایتخت افغانستان شد؛ در طرح جدیدی که تدوین شده مردم عادی نیز در ایجاد امنیت مشارکت خواهند کرد. این در حالی است که مردم دولت را متهم می‌کنند در ایجاد امنیت در مناطق مختلف کابل تبعیض قائل می‌شود.



دیلی تلگراف (انگلیس)

پس از آنکه نیکولا استورجن، رهبر حزب ملی اسکاتلند و داعیه دار استقلال این منطقه از بریتانیا اعلام کرد، برخلاف دستور بوریس جانسون برای بازگشایی مشاغل و اتمام قرنطینه حاضر به بازگشایی اسکاتلند نیست، مردم این منطقه از بوریس جانسون خواستند، مداخله کرده و به قرنطینه در اسکاتلند خاتمه دهد.



نگرانی بایدن از افزایش نژادپرستی در امریکا

ساکتان تولسای ۱۹۲۱ زنده مانده‌اند، «جو بایدن»، رئیس جمهوری که پس از «دونالد ترامپ» نژادپرست با شعارهای تنسای نژادی به کارزار انتخابات قدم گذاشت و با انتخاب معاونی از میان زنان سیاستمدار غیرسفید، محبوب رنگین پوستان آمریکایی شد، به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری به «تولسا» سفر و با وعده‌های جدید بر طرح‌های دولتش برای ریشه کنی نژادپرستی تأکید کرد: «برای سال‌های متمادی، تاریخ فاجعه تولسا در سکوت مانده است اما واقعیت این است که تاریکی نمی‌تواند مدت زیادی وقایع را پنهان و آنها را نابود کند. این فاجعه یک آشوب نژادی یا خروش و خشم مردمی نبود بلکه یک قتل عام به شمار می‌رود. بسته شدن مردی به کامیون و کشیدن او روی زمین در خیابان‌ها، قرار دادن اجساد خانواده‌های تولسا در روی حصار خانه‌ها و کشتار سالمندان در مراسم دعا معنایی جز قتل عام ندارد. ما هیچ کدام نمی‌خواهیم وانمود کنیم که هیچ اتفاقی رخ نداده است. اما باید خوب و بد به هر آنچه در تاریخ ملت بزرگمان رخ داده بدانیم.»

رئیس جمهوری آمریکا با ابراز نگرانی از تشدید نژادپرستی در آمریکا، گریزی نیز به آشوب کالج کنگره در آستانه ورودش به کالج سفید زد: «بورش مرکبار ۶ ژانویه به کاپیتال هیل و تلاش برای محدود کردن برخی ایالت‌ها در فرایند مشارکت در انتخابات نمود تداوم مشکلات نژادپرستانه آمریکا به گزارش «ان‌بی‌سی نیوز»، براساس آمار کمسیون ایالتی در سال ۲۰۰۱، میزان تخریب این منطقه حدود ۱۰۸ میلیون دلار برآورد شده که معادل ۲۷ میلیون دلار امروز آمریکا است. این در حالی است که شرکت‌های بیمه وقت تنها زیربار غرامت این ویرانی رفتند که هیچ سفیدپوستی نیز به خاطر این جنایات هولناک محاکمه و مجازات نشد و حتی مؤلفان کتاب‌های تاریخ آمریکا در طول سال‌ها اجازه اشاره به آن را نیز نیافتند. حالا در حالی که پس از ۱۰۰ سال از این قتل عام وحشیانه تنها سه نفر از

است. بدون شک آنچه در «گرین وود» تولسا رخ داد ناشی از تنفر و تروریسم داخلی بود که همچنان در سطوح دیگری در امروز آمریکا نیز دیده می‌شود.»

سفری برای بزرگنمایی تغییرات

رئیس جمهوری جدید آمریکا که با نگاه ویژه به تنسای نژادی و عدالت، سکان هدایت ایالات متحده را از «دونالد ترامپ» تحویل گرفته است، از این سفر به‌عنوانی فرصتی ویژه برای برجسته کردن اقدامات دولتش بخصوص در کاهش فاصله طبقاتی میان سیاهان و سفیدها بهره برد. به‌طوری که به نوشته «نیویورک تایمز»، ارتقای توافقی‌های فدرالی برای تقویت کسب و کارهای اقلیت‌ها تا ۵۰ درصد و تخصیص ده‌ها میلیارد دلار به احیای مناطق فقیرنشینی مانند گرین وود، اعمال تغییر در سیاست‌های دولت ترامپ در استفاده از قوانین برابر مالکیت خانه‌ها برای همه اقشار و تدوین قوانینی برای مقابله با اتهام‌های ناشی از تنفر نژادی و برتری سفیدپوستان تنها بخشی از فعالیت چند ماه اخیر کابینه جدید آمریکا بود که با این سفر بر آنها تأکید شد.

علاوه بر اینها «بایدن» برنامه‌هایی برای خانوارهای آمریکایی از همه‌تباری‌ها پیشنهاد کرده که سرمایه‌گذاری سنگینی را در حوزه تحصیل، نگهداری از فرزند و هزینه مسکن نیاز دارد. اما به نظر می‌رسد برای مردمان تولسا که سال‌ها به دلیل نادیده انگاشته



AFP

اسحاق هرزوک، رئیس جدید رژیم صهیونیستی



در روز پرتحول سرزمین‌های اشغالی ظهر دیروز نیز کست (پارلمان رژیم صهیونیستی) رئیس جدید این رژیم را انتخاب کرد. در جریان این نشست، رقابت اصلی بین «اسحاق هرزوک» رئیس آژانس جهانی یهود و «میریام پیرتس» فعال اجتماعی بود؛ در پایان «اسحاق

هرزوک با ۸۷ رای از مجموع ۱۲۰ رای کست، موفق شد نام خود را به عنوان جانشین «روون ریولین» که دوره او ۹ جولای (۱۸ تیر ماه) به پایان می‌رسد، ثبت کند. به گزارش سایت شبکه خبری «فرانس ۲۴»، «اسحاق هرزوک» ۶۰ ساله پیش از این رهبر حزب کارگر بوده و به لحاظ سیاسی گرایش‌های چپ میانه دارد. او در خانواده‌ای سیاسی بزرگ شده است و اولین رئیس رژیم صهیونیستی است که پدرش نیز همین سمت را داشته است.

«حییم هرزوک» ششمین رئیس رژیم صهیونیستی بود که از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ این سمت را برعهده داشت. «حییم» پیش از آن نیز سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل بود. «ابا ائان»، عمو وی نیز اولین وزیر خارجه این رژیم و سفیر تل آویو در سازمان ملل و آمریکا بوده است.

پدربزرگ وی نیز اولین خاخام رژیم صهیونیستی در زمان تشکیل این رژیم بوده است. «اسحاق هرزوک» که رئیس آژانس جهانی یهود بوده است، علاقه ویژه‌ای به جذب مهاجران دارد. این در حالی است که پست ریاست رژیم صهیونیستی یک پست تشریفاتی است و اختیارات اصلی در دست نخست‌وزیر است.

داشته است، هر کدام از آنها دو سال و سه ماه ریاست کابینه را در دست خواهند داشت، البته اگر ائتلاف آنها بتواند تا این مدت دوام داشته باشد و آنچه سال گذشته برای ائتلاف «لیکود» و «آبی و سفید» رخ داد، برایشان رخ ندهد.

با یکدیگر دارند که اگر قرار باشد کابینه‌ای با حضور همه آنها تشکیل شود، می‌تواند تبدیل به کابینه‌ای پر چالش برای نخست‌وزیری که باید این کابینه را اداره کند باشد؛ کار آنجا سخت‌تر می‌شود که بدانیم طبق توافقی که «بنت» با «لایپد»

مردم در اندیشه امام محور تصمیمات هستند

حجت‌الاسلام مجید انصاری
عضو مجمع تشخیص مصلحت‌نظام

باوجود این، دو نکته در ارزیابی اهداف امام(ره) و آرمان‌های انقلاب برجسته است. اول اینکه امام(ره) مرجع تقلیدی برجسته بود و به خداپاوری توجه ویژه‌ای داشت. این امر، به همراه باور دینی ایرانیان، زمینه شکل‌گیری جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

نکته دوم، حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان بود و این اصل و واقعیتی بود که امام(ره) همواره روی آن پای می‌فشرد و اساساً با تکیه بر همین اصل بود که رژیم شاه را استیضاح کرد. به‌طور کلی، امام(ره) با ایجاد انقلاب اسلامی، به دنبال به کرسی نشاندن حاکمیت مردم بودند و به همین دلیل وارد صحنه مبارزه شدند.

به همین دلیل بود که برخلاف سایر انقلاب‌های دنیا که پس از مدت زمان کمی به مردم پشت کردند، کمتر از ۲ ماه بعد از انقلاب نخستین همه‌پرسی و انتخابات برای تعیین اصل ساختار سیاسی کشور برگزار شد. این درحالی بود که بسیاری به ایشان توصیه می‌کردند که دلیل شرایط انقلابی کشور، اکنون ضرورتی به این کار نیست و می‌توان با ادامه فعالیت شورای انقلاب، کشور را اداره کرد. اما امام(ره) تنها این توصیه را نپذیرفتند، بلکه پس از برگزاری همه‌پرسی ماهیت نظام سیاسی، انتخابات خبرگان و بعد همه‌پرسی تصویب قانون اساسی را برگزار کردند و به این ترتیب، پس از برگزاری ۵ انتخابات، نظام سیاسی مستقر و برپا شد.

لازم به توضیح است که در آن زمان، برخی قائل به حکومتی شبه خلافتی بودند، اما امام(ره) براساس آسیب‌شناسی و براساس بینش خود از متن اسلام و قرآن، تأکید داشتند که نظام سیاسی باید با رأی مردم انتخاب شود و درغیر این صورت، آن نظام مشروعیت ندارد. امام(ره) حتی بر این نکته تأکید داشتند که اگر مردم حکومت مبتنی بر اسلام را نخواستند، مسئولیت مردم هستند که دنبال اسلام می‌روند و شکل حکومت را مردم تعیین می‌کنند. این همان سیره امام علی(ع) بود که فرمود «اگر مردم نمی‌آیند و تجمع نمی‌کردند، من حکومت را نمی‌پذیرفتم».

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنا تدوین شد، به این معنی که همه مقام‌ها در جمهوری اسلامی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شوند. این امر به این معنی است که در اندیشه سیاسی امام(ره) مردم محور همه تصمیمات هستند. امام(ره) در این زمینه یک جمله کوتاه دارند که در همین یک جمله، این حقیقت را برای همیشه گفتند که «میزان رأی ملت است.»

ادامه از صفحه اول